



شیوه فلاندري
 پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 در دوره رنسانس

در اواخر قرن پانزدهم میلادی مرکز هنر فلاندر به شهر آنورس منتقل شد. شهر بروژ Bruges بر اثر آنکه بندر گاهش از شن پر شد از رونق افتاده بود و بخلاف آن در این زمان آنورس شهر بزرگ اروپای شمالی و مجمع دانشمندان و ادیبان و مرکز جنبش رنسانس بشمار می آمد. ارتباط هنری این شهر با ایتالیا نیز بسیار شد چنانکه تأثیر هنر ایتالیایی در آثار بعضی از نقاشان زبردست این دوره بخوبی آشکارست.

کانتن ماسی Quentin Massys که شهرت فراوان داشت و هنرمندان بزرگی مانند دوررو هولبین او را می ستودند بخصوص از آثار لئوناردو داوینچی متأثر بود. در همین زمان نقاش دیگر این سرزمین بنام پاتینیر Patinir اولین قدم اساسی را برای منظره سازی برداشت و نخستین بار پرده هائی کشید که یا تنها موضوع آن مناظر طبیعت بود یا اشخاص

و موضوعات تاریخی بهانه ای برای تصویر و تجسم طبیعت شمرده می‌شد. معینادراین دوره باز نقاش بزرگی از شهر بروژ برخاست و او ژرار داوید Gerard David است که کمتر از معاصران خود به تمایلات جدید تسلیم شده بود.

تا آخر قرن شانزدهم شهر آنورس مرکز جیب و جوشی برای هنرمندان بود و از همه کشورهای اروپا نقاشان با آنجا روی می‌آوردند و باهم آشنائی و همکاری می‌کردند. نقاط دیگر این ناحیه اروپا، یعنی شهرهای هارلم،

اوترخت، لید نیز از جنبش هنری بی‌نصیب نبودند و تأثیری که هنرمندان این نواحی در یکدیگر داشتند موجب می‌شود که اغلب تعیین سبکهای هنری با دقت و وضوح میسر نشود. ژان گووسار Gossart معروف به مابوز Mabuse سفری به ایتالیا کرد و از استادان آن سرزمین تأثیر فراوان

پذیرفت و یگانه نقاش این زمان است که به پیکر انسان توجه خاص دارد و مناظر اطراف آنرا کمتر مورد توجه قرار می‌دهد.

لوکاس از اهالی شهر لید که باماسی و مابوز معاصر بود خصوصاً به جنبه های فنی نقاشی توجه داشت و شهرت او در حکاکی بحدی است که بعضی او را در این فن به دور رجحان داده‌اند. این هنرمند

تصویر زنی جوان کار «لوکاس دولید» ←



دانائه - کار « مابوز »



لوکاس دولید
تصویر زنی جوان کار «لوکاس دولید»



دوازده ساله بود که پرده-
ای در تصویر یکی از
اولیای مسیحی کشید و
این پرده چنان عالی بود
که همه استادان زبردست
زمان را متعجب کرد. از
همه کارهای او سه مجلس
« روز قیامت » بیشتر
شهرت دارد. در این
پرده هاجس وحشت چنان
مجسم شده که بیننده را

مریم و عیسی با نفاق سنت مادالین و مردی که هدیه آورده است
کار « لوکاس دولید »

تحت تأثیری می گیرد و همین حالت است که در اکثر نقاشیهای قرن شانزدهم
اروپا دیده می شود.

در اواسط قرن شانزدهم نقاشان فلاندر برای تحصیل و تمرین نقاشی
به ایتالیا سفر می کردند و این امر موجب شد که شیوه خاصی مرکب از
هنر ایتالیا و هنر شمال اروپا بوجود بیاید. بزرگترین چهره ساز این زمان
انتونیو مورو Moro از مردم اوترخت است که بدر بارهای انگلستان

و اسپانی دعوت شد و
خصوصاً در تکامل نقاشی
کشور اسپانی بسیار
مؤثر بود.

اما شیوه خابس
این دوره بدست هنرمندی
موسوم به پتر بروگل
Peter Brughel ایجاد
شد. این نقاش در ایتالیا
تحصیل کرده بود اما
خصوصیات ذوق فلاندري
را حفظ کرد و بزودی
خود را از قید تأثیر

خود نقاش و کارفرما،
→ کار « پتر بروگل »



هر گونه شیوه قدیم و معاصر آزاد ساخت. پرده های او و مجالسی که از قیافه ها و حالات و اطوار مردم زمان خود ساخته و خاصه پرده هایی که در آنها دهقانان فلاندر را تصویر کرده است جنبه مذهبی ندارد و بیشتر تصویر امور واقعی و طبیعی است. این هنرمند همه همت خود را به نقش کردن زندگی دوستانیان و مردم ساده سرزمین خود مصرف کرد و آثار او نمایشی از احوال مردمان این ناحیه اروپا در قرن شانزدهم بشمار می رود.

بزرگترین هنراو اینست که نقاشی را از زیر استیلای امور و عقاید و داستانهای مذهبی بیرون آورد. بروگل بزرگترین منظره ساز همه زمانها شمرده می شود. در منظره سازی همیشه عمق و وسعت طبیعت را مورد توجه قرار می دهد، یعنی نظر گاه خود را طوری انتخاب می کند که بتواند قسمت



«سرزمین نعمت» کار «پترو بروگل»

بزرگی از منظره را ببینند و تصویر کنند. در پرده های او کوه و دره و رود و دریا همه باهم دیده می شود. علاوه بر این خصوصیات، فصول مختلف را نیز روی پرده می آورد و می توان گفت که آثارش در حکم دایرة المعارف طبیعت است. در تلک آخر قرن شانزدهم نقاشانی که به منظره داخلی خانه و مطبخ علاقه داشتند کارشان رونقی گرفت و این دسته هستند که نقاشی «طبیعت بیجان» را پایه گذاری کردند و دو قرن بعد این شیوه یکی از شعب مهم هنر نقاشی شد.

پژوهنده



جالب الطربش

سور غروسی

P. Bruegel کار پترووگل

شیوة فلاندیری در دوره رنسانس